

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره هیجدهم، شماره اول، تابستان ۱۳۸۱ (پیاپی ۳۵)
(ویژه نامه انگلیسی و زبانشناسی)
مقاله کوتاه

گستره معنایی شمار واژگان در زبان فارسی
شهرام دوکوهکی*

دانشگاه پیام نور

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی گستره معنایی شمار واژگان در زبان فارسی است. شمار واژگان، در این مقاله به کلماتی اطلاق می شود که جزیی یا قسمتی از آنها به کمک یک عدد ساخته شده است. در گذشته در این زمینه تحقیقاتی انجام گرفته است که فقط در باره نقش یک عدد معین بویژه عدد هفت در زبان فارسی بوده است و سایر اعداد و کاربرد معانی متفاوتی را که در بر می گیرند، مد نظر قرار نگرفته است. با توجه به این که متون فارسی چه در نوشتار و چه در گفتار دارای شمار واژگان می باشند، بنابراین اهمیت اینگونه واژگان در روند ارتباطی زبان شایسته توجه بیشتری است. از دیدی زبانشناسانه، بررسی گستره معنایی شمار واژگان در زمینه پژوهش های معنا شناختی قرار می گیرد. به منظور انجام این تحقیق، شمار واژگان زبان فارسی از فرهنگ لغات استخراج شدند و تعداد و گستره معنایی هر یک از شمار واژگانی که به کمک اعداد فارسی ساخته شده اند، طبقه بندی گردیدند. از تعداد ۷۹۳ شمار واژه استخراج شده، طبقه بندی متفاوتی از جنبه معنا شناختی برای هر یک از اعداد پدید آمد که این طبقه بندی گستره معانی متفاوتی را برای شمار واژگانی که بیشترین و کمترین تأثیر معنا شناختی را در زبان فارسی دارا هستند، بیان می کند.

واژه های کلیدی: ۱. شمار واژگان ۲. گستره معنایی ۳. معنا شناختی

۱. مقدمه

یکی از منابع گسترش زبان، صرف نظر از ساختار و نظام آوایی، گستره معنایی^۱ واژگان آن زبان است که زمینه پژوهشی جدیدی را در زبانشناسی بخود اختصاص داده است. گستره معنایی، دامنه و کاربرد واژگان در توصیف مفاهیم بطور عام در حیطه کلام است. مثلاً در بیان مفهوم زمان، شمار واژگان کاربرد گسترده ای دارند و از طریق همین کاربرد است که می توان مفاهیم و معانی زمان را شفاف بیان نمود. در این راستا کاربرد کلماتی همچون یکروزه، هفته، هفتگی، دهه، هزاره، سه ماهه و نظایر اینهاست که گستره معنایی شمار واژگان را در بیان مفهوم زمان نشان می دهند. بی شک با بیان واژه مناسب در ساختاری مناسب چه شفاهی و چه کتبی می توان براحتی پیامی را انتقال داد و در این روند نقش با اهمیت واژگان از سایر اجزای زبان کمتر نیست. در زبان فارسی یکی از این منابع گسترش زبان، شمار واژگان^۲ هستند. شمار واژگان توانسته اند با تولید و ساخت انواع کلمات کمک شایانی را به رشد زبان فارسی بنمایند. بنابراین بایستی در پژوهش های زبانشناسانه از توجه بیشتری برخوردار شوند. منظور از شمار واژگان، واژگانی هستند که به کمک اعداد در زبان فارسی ساخته شده اند و یا در آینده ساخته خواهند شد. مثلاً اگر عدد یک را در نظر بگیریم، به

* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

کمک آن عدد، واژگان متعددی با مفاهیمی گسترده وجود دارند که خواننده یا گوینده زبان از آنها استفاده کرده و بدین روش مفاهیم متفاوتی را بیان می‌کند. بندرت می‌توان در نثر و نظم فارسی متنی فاقد شمار واژگان یافت. زبان فارسی بسیار انعطاف پذیر است و به آسانی می‌تواند از منابع مختلف واژگان مورد نیاز را تأمین کند و در روند ارتباطی خود بکار گیرد. شمار واژگان یکی از این منابع محسوب می‌شوند.

در قیاس با سایر زبان‌ها همچون زبان انگلیسی، زبان فارسی در زمینه معنایی واژگان، از اعداد بهره بیشتری می‌گیرد، حال آنکه این ویژگی در زبان انگلیسی محدودتر است و شامل شمار واژگانی می‌شود که اکثراً با پیشوندهایی که از زبان لاتین و یونانی ریشه گرفته‌اند، ساخته می‌شوند. پیشوندهایی همچون: Uni در شمار واژگان Uniform و bi- و Unity در شمار واژگان bilingual و bicolor. اما اگر عدد یک را در زبان فارسی در نظر بگیریم در خواهیم یافت که این عدد در حدود یکصد و پنجاه واژه مستقل در زبان فارسی می‌سازد. با توجه به نقش اعداد، پژوهش حاضر سعی دارد با ماهیتی صرفاً توصیفی به اهمیت گستره معنایی شمار واژگان در زبان فارسی بپردازد.

۲. اهداف پژوهش

۱. توصیف گستره معنایی شمار واژگان در زبان فارسی و بررسی اهمیت معناشناختی^۳ اینگونه واژگان در زبان فارسی.
۲. طبقه بندی معنایی شمار واژگان در زبان فارسی.
۳. تعیین میزان سهم شمار واژگان گوناگون نسبت به یکدیگر در زبان فارسی.

۳. پرسش تحقیق

۱. آیا شمار واژگان مختلف از لحاظ بسامد با یکدیگر تفاوت دارند؟
۲. آیا می‌توان گستره معانی متفاوتی را برای شمار واژگان توصیف نمود؟

۴. فرضیه صفر

۱. شمار واژگان مختلف از نظر بسامد با یکدیگر تفاوتی ندارند.
۲. شمار واژگان مختلف در زبان فارسی گستره معنایی ندارند.

۵. پیشینه تحقیقات

پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است، بصورت پراکنده و منحصر به یک عدد بخصوص، مشخصاً عدد هفت بوده است. پژوهش‌های پیشین در مورد عدد هفت و نقش آن در زبان فارسی از یکطرف با بینشی فلسفی و عرفانی و از طرفی دیگر، همپوشی کاربرد آن در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف صورت پذیرفته است. حال آنکه نقش زاینده‌گی آن بعنوان منبعی که می‌تواند سلسله‌ای از واژگان با مفاهیمی کاملاً مستقل پدید آورد مد نظر قرار نگرفته است. در این مورد دکتر معین می‌گوید: «از میان اعداد، شماره هفت از دیر باز مورد توجه اقوام مختلف جهان بوده است. وجود برخی از عوامل طبیعی مانند سیاره‌های مکشوف جهان باستان و همچنین رنگهای اصلی و امثال آن مؤید رجحان و جنبه مابعدالطبیعه آن گردید». در ادبیات نیز^۴ به زیبایی خاص عدد هفت نیز پی می‌بریم و بیشتر شاعران و نویسندگان به کاربرد آن توجه خاصی داشته‌اند^۵ (صادق زاده، ۱۳۷۶: ۶۹). از جمله تحقیقات دیگری که در مورد عدد هفت صورت گرفته است می‌توان به رساله عدد شماره هفت و هفت پیکر نظامی اثر دکتر معین (۱۳۴۲) و دب اکبر و عدد هفت (نجوم، ۱۳۷۶) و همچنین هفت در قلمرو فرهنگ جهان (شریف محلاتی، ۱۳۳۷) اشاره نمود. با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که عدد هفت نقش پر اهمیتی را نه فقط در زبان فارسی بلکه در سایر زبانها، فرهنگ‌ها و زمینه‌های فراوان دیگری دارا است. این پژوهش با دیدی کاملاً زبانشناسانه به گستره معنایی شمار واژگان

بطور کل و اهمیت معناشناختی آنان در زبان فارسی می پردازد. این تحقیق را می توان نخستین گام در راستای پژوهش های آتی در زمینه شمار واژگان پنداشت.

۶. روش پژوهش

برای انجام این تحقیق تمامی میراث ادبی زبان فارسی می توانست مورد استفاده قرار گیرد. اما چنین کاری حداقل با روش استخراج شمار واژگان و فیش برداری از آنها در حال حاضر غیر عملی بنظر می رسد. بنابراین جهت تعیین منبع اصلی تحقیق، اکثر فرهنگ لغت های فارسی بررسی شد و در نهایت فرهنگ لغت دکتر محمد معین جهت استخراج شمار واژگان انتخاب گردید. بررسی شمار واژگان به ترتیب از عدد یک شروع و همگی آنان مورد مطالعه قرار گرفتند و هر شمار واژه ای که با یک عدد ساخته شده بود استخراج گردید و گستره معنایی هر یک از شمار واژگان شمارش و طبقه بندی شد. در نهایت بدنه اصلی اطلاعات، ۷۹۳ شمار واژه از این طریق بدست آمد.

در گردآوری شمار واژگان، بعضی از اعداد مثلاً پانصد، ششصد و یا هفتصد به عنوان عدد اصلی در فرهنگ لغت بکار رفته اند و اینگونه اعداد صرفاً چون دارای مفاهیم ریاضی بودند و کمکی از لحاظ گستره معنایی به این تحقیق نمی کردند، جزو بدنه اصلی تحقیقات محسوب نشده اند، زیرا فاقد معانی متفاوت بودند، به بیانی دیگر شمار واژگانی استخراج شدند که در فهرست واژگان فرهنگ لغت به معانی متفاوت آنها اشاره شده بود. شمار واژگان هر عدد و گستره معنایی آن شمارش و طبقه بندی گردید. لازم به ذکر است که این طبقه بندی چنان گستردگی فراوانی پیدا کرد بطوریکه بعضی از شمار واژگان گستردگی معنایی تا ۱۸ مورد را در بر می گرفت و برخی دیگر طبقه بندی کمتری را به خود اختصاص دادند. شمار واژگانی که شمار آنها در انتهای واژه بکار رفته بود، در این تحقیق در نظر گرفته نشدند. چون منبع دقیقی با روش فعلی برای جمع آوری آنها موجود نبود، علاوه بر آن، اعدادی هم که از زبانهای خارجی وارد زبان فارسی شده اند چون گسترش معنایی پیدا نکرده بودند، البته به استثنای دو مورد که معنی ثروتمند و بسیار زیاد را دارا بودند همچون میلیونر - میلیارد و میلیونی مثلاً در ترکیب جمعیت میلیونی نیز شامل این تحقیق نشدند.^۴ شمار واژگان سپس به ترتیب از منبع اصلی از شمار واژگان یک مورد مطالعه و بر اساس گستره معنایی و فراوانی تعداد واژه ها طبقه بندی شدند.

۷. یافته ها

در بررسی داده ها مشخص شد که شمار واژگان گستره معنایی فراوانی را در زبان فارسی بخود اختصاص می دهند و آنها را می توان یکی از منابع مهم در پیدایش و همچنین زایش واژه های جدید تلقی نمود، زیرا آنها این توانایی را دارا هستند که بتوانند واژه های جدیدی را به زبان فارسی بیفزایند و همچنین بعنوان برابر یافته هایی برای واژگان بیگانه بکار روند و بدین طریق به زبان فارسی غنای بیشتری بخشند. دیگر اینکه، شمار واژگان اجزای سخن مختلفی همچون فعل، صفت، اسم و قید را دارا هستند. آنها در اصطلاحات و ترکیبات و همچنین در مکالمات روزانه نقش برجسته ای را در انتقال پیام به مخاطب و در نهایت در روند ارتباطی ایفا می کنند.

همانطور که در بالا اشاره شد، شمار واژگان گستره معنایی فراوانی را شامل می شوند که مهمترین طبقه بندی این مفاهیم عبارتند از:

۱. نجوم
۲. پزشکی
۳. مذهب
۴. فلسفه
۵. گیاهشناسی
۶. موسیقی
۷. معماری
۸. هندسه
۹. ابزار آلات
۱۰. آشپزی
۱۱. عرفان
۱۲. زمان
۱۳. جانورشناسی
۱۴. نظامی

پاره ای از شمار واژگان معنایی بیشتری را تا سایر شمار واژه ها بیان می کنند. این شمار واژگان بین یکان تا دهگان قرار دارند. بطور کلی یکان از نظر تعداد و گستره معنایی شمار واژگان، میزان بالاتری را تا سایر شمار واژه ها بخود اختصاص می دهند، بطوریکه هر چه شمار بیشتر می شود، تعداد و گستره معنایی آن شمار واژه کاهش می یابد.

در مقایسه شمار واژگان با یکدیگر مشخص شد که عدد یک بیشترین واژه را در زبان فارسی داراست و دارای بیشترین گستره معنایی می باشد (جدول یک) که به ترتیب ۱۸/۹٪ شمار واژه ها و ۱۷/۸٪ گستره معنایی را بخود

اختصاص می‌دهد و این حالت بدون در نظر گرفتن معادل آن واژه تک است که بجای یک بکار می‌رود و دارای شمار واژگان متعددی است، مثلاً در ترکیب تک تک بجای یکی. طیف وسیعی را که شمار واژگان یک می پوشاند شامل معانی متفاوتی است از جمله: ۱. تکرار ۲. اتحاد ۳. زمان ۴. وحدت ۵. مساوات ۶. کلیت

جدول ۱: تعداد و درصد گستره معنایی شمار واژگان

ردیف	عدد	تعداد شمار واژگان	درصد	گستره معنایی	در صد
۱	۱	۱۵۰	۱۹	۲۶	۱۷/۸
۲	۷	۱۱۱	۱۴	۲۱	۱۴/۳
۳	۲	۱۰۶	۱۳/۳	۱۷	۱۱/۶
۴	۵	۱۰۰	۱۲/۶	۱۰	۶/۸
۵	۴	۷۷	۹/۷	۱۱	۷/۵
۶	۳	۶۸	۸/۵	۱۲	۸/۲
۷	۱۰۰۰	۵۳	۶/۶	۹	۶/۱
۸	۶	۳۸	۴/۷	۱۰	۶/۸
۹	۱۰	۲۸	۳/۵	۹	۶/۱
۱۰	۹	۲۶	۳/۲	۳	۲
۱۱	۸	۱۹	۲/۴	۶	۴/۱
۱۲	۳۰	۸	۱	۳	۲
۱۳	۱۲	۵	۱/۵	۵	۳/۴
۱۴	۴۰	۴	۱/۵	۴	۲/۷
	جمع	۷۹۳	۱۰۰	۱۴۶	۱۰۰

$$X^2 = 58/07$$

$$X^2 = 492/06$$

$$P < .001$$

از لحاظ اجزای سخن نیز شمار واژگان عدد یک، صفت، قید، اسم و فعل را می سازند، مثلاً یکی یکی، یکدل، یکتا، یکدفعه، یکی بدو کردن، یکطرفه، یک ریز، یکه سوار و یکسان. بطور کلی در شمار واژگان عدد یک به مفاهیم یگانگی، اتحاد و تنهایی بیشتر از سایر معانی برخورد می‌کنیم.

عدد هفت در رتبه دوم تعداد و معنایی شمار واژگان به ترتیب با ۱۴٪ و ۱۴/۳٪ پس از عدد یک قرار می‌گیرد و این مسئله در حالی اتفاق می افتد که در زبان فارسی قسمت اعظم تحقیقات پیشین به عدد هفت اختصاص یافته است. بر خلاف شمار واژگان یک، شمار واژگان عدد هفت یا اسم و صفت هستند یا قید، و افعال کمتری در این شمار واژه ها وجود دارد، مثلاً هفت قلم آرایش کردن یا هفت کسی را گرفتن.

در سومین رده شمار واژگان عدد دو قرار دارد که از لحاظ تعداد و مفاهیم ۱۳/۳٪ و ۱۱/۶٪ را شامل می‌شود. عدد دو بیشتر تأکید بر معنی تکرار و تجدید موردی را داراست. مفاهیمی را که این شمار واژه‌ها در بردارند عبارتند از:

۱. آشپزی (دو بار پخته شدن، دو آتشف)
۲. حمل و نقل (بلیط دو سره گرفتن)
۳. دروغ گفتن (دو حرف شدن)
۴. مشاجره کردن (یکی به دو کردن)
۵. دو دل شدن (بودن)
۶. دوگانه بودن
۷. دو رو بودن
۸. بر سر دو راهی قرار گرفتن

با توجه به مقدار مربع خی (P < /۰۰۱، $X^2 = ۶۱/۵$) از محاسبه افعال ساخته شده از عدد ۲ در مقایسه با افعالی که از سایر اعداد ساخته شده است، چنین استنباط می‌شود که عدد دو قابلیت و استعداد فراوانی، تا سایر شمار واژه‌ها

شمار واژگان عدد پنج با نسبت ۱۲/۶٪ تعداد و ۶/۸٪ معانی، در رده چهارم جدول طبقه بندی جای می گیرند. عدد پنج معانی مختلفی را از قبیل گیاهشناسی، مواد غذایی، معارف دینی، نجوم، پزشکی، هندسه، زمان و معماری را در بر می گیرد. شمار واژگان پنج بیشتر بصورت اسم بکار می روند همچون پنجدری، پنج ضلعی و پنج تن، گرچه فعل هم بندرت در فهرست این شمار واژگان مثل پنجه در افکندن وجود دارد.

عدد چهار که همچون عدد یک از معادل "چار" هم سود می برد به ترتیب از لحاظ تعداد و مفاهیم ۹/۷٪ و ۷/۵٪ را داراست. بطور کلی شمار واژگان عدد چهار مفاهیمی را بیان می کنند که حالت سکون و استحکام را دارا هستند، مثلاً: ۱- چهار شانه ۲- چار چوب ۳- چهار میخ کردن ۴- چهار زانو نشستن ۵- چهار پایه ۶- چهار دیواری. گرچه در حیطه فلسفه مثلاً (چهار عنصر)، موسیقی (چهار ضرب)، و در گیاهشناسی و پزشکی (چهار تخمه) شمار واژگان عدد چهار نیز کاربرد دارند.

نقش عدد شش، هفت، هشت و نه را می توان به یک میزان در ساخت واژه ها تصور کرد، اما تا حدی شمار واژگان عدد شش از نظر تعداد بیشتر است (۴/۷٪) و پس از آنها به ترتیب اعداد نه و هشت با ۳/۲٪ و ۲/۴٪ قرار می گیرند. در بیان مفاهیم، عدد نه با کمترین گستره معنایی پایین تر از دو عدد دیگر قرار دارد. سایر شمار واژگان موجود، دامنه ساخت واژگانی را از یک تا پنج مورد دارا هستند که به همین میزان مفاهیم کمتری را بیان می کنند. این نسبت نیز بین سایر شمار واژه ها مشترک است. البته یک استثنا وجود دارد و آنهم عدد هزار است که با عدد شش (۶/۱٪) تقریباً برابری می کند و واژه های بسیار متداولی را چه در گفتار و چه در نوشتار داراست. علاوه بر اسامی، شمار واژگان هزار، در گیاهشناسی برای نامیدن گیاهان، کاربرد مفاهیم شمار واژگان هزار تأکید بر بیش از حد بودن، تکرار و فراوانی دارند.

۸. بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته ها و نتایج آماری حاصل (جدول یک) چنین آشکار می شود که شمار واژگان زبان فارسی را می توان بر اساس گستره معنایی آنان طبقه بندی کرد و همچنین بیان نمود که شمار واژگان از لحاظ گستردگی معنایی در زبان فارسی با یکدیگر متفاوت هستند و هر یک سهم ویژه ای در بیان مفاهیم، یعنی معانی مفاهیم از لحاظ کلام بعهده دارند. بسامد شمار واژگان در زبان فارسی نیز با توجه به کاربرد معانی آنان متفاوت است (جدول یک) مثلاً، اگر چه عدد پنج دارای بسامدی برابر با ۱۲/۶٪ است اما در قیاس با عدد سه که بسامد کمتری دارد (۸/۵٪)، از گستره معنایی پایین تری برخوردار است (۶/۸٪)، این موضوع را می توان به وجوه مشترک معنایی که شمار واژگان بیان می کنند نسبت داد، زیرا شمار واژگان علاوه بر اشتراک در معانی گوناگون، بعضی حیطه های معانی بیشتری را پوشش می دهند که جدول یک این گستردگی و تفاوت را برای شمار واژگانی که بیشترین و کمترین برد معانی را دارند نشان میدهد. بطور کلی می توان نتایج حاصل را در نکات زیر بطور خلاصه بیان نمود.

۱. در بررسی شمار واژگان مشخص شده آنها علاوه بر معانی ریاضی شمارش و مقدار، همگی دارای مفهوم مشترک زمان هستند و می توان بیان کرد که اکثر مفاهیم موجود در ارتباط با زمان در زبان فارسی بدون شمار واژه ها امکان پذیر نیست.

۲. شمار واژگان قادرند بعضی از اجزای سخن به ترتیب اسم، صفت، قید و فعل را بسازند.

۳. در ترکیب شمار واژگان عموماً شمار در جزء اول واژه قرار می گیرد مگر آنکه قسمت دوم نیز یک شمار دیگر باشد همچون دو تا دو تا، هزار هزار یا هزاران هزار.

۴. در مقایسه با زبان انگلیسی شمار یک بیشترین شباهت را با زبان فارسی آنهم فقط با مفهوم یک دارد. مثلاً در واژگانی همچون یکی یکی one by one، یک اسبه one-horse، یکبار once، یکدست، متحد، union، united، unity یک چهارم one-quarter، یکدفعه at once

۵. شمار واژگان زبان فارسی عموماً در گستره های معنایی زیر مشترک هستند.

۱. فلسفه ۲. دین ۳. معماری ۴. موسیقی ۵. پزشکی ۶. گیاهشناسی ۷. جانورشناسی ۸. نجوم ۹. زمان ۱۰. ابزار آلات

نکته آخر اینکه می‌توان کژتابی معنایی^۵ را در بعضی از شمار واژه‌گان مشاهده نمود. مثلاً شمار واژه هفت خط را اگر در نظر بگیریم، اکنون به معنی پر نیرنگ و حيله گر بکار می‌رود. بیست شدن یا بیست گرفتن در دروس، که معمولاً دانش آموزان یا والدین آنها بکار می‌برند. سه شدن معنی بهم خوردن برنامه را می‌دهد. خود واژه عدد هم در اصطلاح عامیانه کاربرد پیدا کرده است، مثلاً در اصطلاح عددی نیست، منظور شخص بی اهمیت و بی ارزشی است که نمی‌تواند در دسر درست کند. واژه نیم هم دارای ترکیبات فراوانی است همچون نیمروز یا نیمه شب. عدد صفر هم بیانگر کم ارزش بودن است، مثلاً در اصطلاح او صفر گرفت.

از پژوهش حاضر می‌توان زمینه تحقیقات بیشتری را در مورد شمار واژگان استنباط نمود. مثلاً چه نوع ساختارهای دستوری را منحصرأ می‌توان با شمار واژگان بکار برد. دیگر اینکه می‌توان یک پژوهش جامع مقایسه‌ای بین شمار واژگان فارسی و سایر زبانهای خارجی انجام داد و دریافت آیا شمار واژگان در زبان های دیگر نقشی متفاوت یا یکسان دارند و از این طریق تفاوت ها و شباهت را دانست. در جامعه شناسی زبان نیز شمار واژگان می‌توانند مورد پژوهش قرار بگیرند، زیرا آنان در گفتار روزمره هم با معانی جدید وارد شده‌اند و کاربرد ابعاد جامعه شناسانه آنان می‌توانند مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

یادداشتها

۱. معادل با Semantic range (برد معنایی) و Semantic domain می‌باشد.
۲. پیشتر از کلمه "عدد واژه" (دانتزیگ، ۱۳۶۱) برای توصیف اینگونه کلمات استفاده شده است.

3. Semantics

۴. مفاهیم ریاضی و شمارش اعداد، در این تحقیق بررسی نشده‌اند.

5. Semantic Drift

کژتابی معنایی برابر یافته فارسی ترکیب روبرو به نقل از استاد ارجمند دکتر یارمحمدی می‌باشد.

منابع

- دانتزیگ، تویبایس. (۱۳۶۱). عدد، زبان علم، ترجمه مهندس عباس کرمان، تهران: کتابهای جیبی.
- «دب اکبر و عدد هفت»، (۱۳۷۶). نجوم، مرداد، ص ۳۱.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شریف محلاتی، مؤید. (۱۳۳۷). هفت در قلمرو فرهنگ جهان، اصفهان: نقش جهان.
- صادق زاده، بهمن محمد. (۱۳۷۶). هفت در پهنه فرهنگ و دین، کیهان فرهنگی، ۱۳۳، صص ۷۱-۶۹.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد. (۱۳۴۲). رساله عدد هفت و هفت پیکر نظامی، تهران: